

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and  
Research in Persian culture, language and literature

## بررسی تاثیر اوضاع سیاسی و فرهنگی عهد غزنویان و سلجوقیان بر شعر سنایی

### ۱- رقیه السادات رضوی

۱- کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور اصفهان، ایران

Email: razavis822@gmail.com

### چکیده

شاعران مانند دیگر اعضای جامعه، پرورش یافته جامعه زمان خود هستند، پس آنها منعکس کننده مسائل سیاسی، اجتماعی و فرهنگی دوران خود هستند و از طرف دیگر، چون ادبیات هر ملتی از درون آن جامعه اقتباس می‌شود. پس برای شناخت جامعه، بهترین منبع مراجعه به اشعار شاعران همان عصر است. سنایی شاعری است نگران دنیای پیرامون خود و سخت در ستیز با کاستیها و نارواییهای اجتماعی و بیداد حکام و فرمانروایان؛ و همین نکته، عامل برتری شعر او نسبت به دیگر سروده‌های دارای مضمون سیاسی و اجتماعی در زبان فارسی شده است. وی از شاعرانی است که با اقشار مختلف جامعه خود سروکار داشته است و در قصاید خود با انتقاد از این قشرها، اوضاع اجتماعی زمان خود را به خوبی به خواننده منتقل می‌کند. دوران حکومت غزنویان به خصوص در زمان محمود غزنوی که مصادف بود با لشکرکشی به سرزمینهای مختلف، باعث ایجاد روابط خاصی در جامعه شده بود. سختگیری با مردم، سبب بروز رفتارهای پیچیده اجتماعی میشد و فاصله‌های طبقاتی را بیشتر می‌کرد. در قرن ششم در عصر غزنویان و سلجوقیان در شعر فارسی، تحولاتی رخ داد که به تبع این تحولات، مناسبت‌های اجتماعی وارد شعر شاعران شد و شاعران با نگاه نو به انسان و جامعه، ارزش بیشتری به مسائل اجتماعی و انسان قائل شدند. این نگاه نو در اشعار سنایی مشهود است و وی یکی از شاعران پیشتازی است که بدون هیچ واژه‌ای هویت واقعی طبقات مختلف جامعه را برملا ساخته و شعرش را در خدمت جامعه و بیان دردهای مردم بی‌پناه قرار داده است. او در اشعارش از ظلم حاکمان ظالم، جهل و دیوسیرتی طبقات مختلف جامعه بسیار نالیده است.

کلمات کلیدی: سنایی، اشعار، سلجوقیان، غزنویان، اوضاع سیاسی - فرهنگی.

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

## مقدمه

قرن‌های پنجم و ششم هجری قمری، از مهم‌ترین و ارزشمندترین دوره‌های ادبیات فارسی است. زبان و ادبیات فارسی در این دوره به طرز شگفت‌آوری توسعه و رواج یافت. به برخی از دلایل این موضوع اشاره می‌کنیم:

۱- باتوجه به کوشش‌هایی که از میانه‌ی قرن سوم تا میانه‌ی قرن پنجم هجری قمری که شاعران و نویسندگان کوشا و بزرگ ماوراءالنهر و خراسان بزرگ صورت دادند، بنیان ادبیات فارسی استوار شد و مقدمات کلامی و معنوی برای بیان معانی و مفاهیم گوناگون شاعر در شعر و شاعری فراهم شد.

۲. تعدد امرای بزرگ و خاندان‌های متمکن در این دوره ابزار بزرگی برای افزایش شاعران و نویسندگان بود. این حاکمان و خاندان‌ها، حضور ادیبان و شاعران فاضل را در دستگاه خود از لوازم ریاست می‌دانستند و براساس روال رسمی در تمدن اسلامی، هر یک سعی می‌کردند نظام خود را از این حیث بر سایر نظام‌ها برتری دهند. جو حاکم بر این دوره، مردم را به تحصیل علم، ادبیات و هنر تشویق کرده است و شاعران و نویسندگان بی‌شماری به عرصه آمده‌اند که شمارش تعداد و آثارشان واقعاً دشوار است.

۳- در نتیجه‌ی فتوحات غزنویان و سلجوقیان و لشکرکشی‌های آنان، زبان فارسی از نواحی دوردست آسیای میانه تا کرانه‌های مدیترانه و از کرانه‌های دجله تا رود سند و منطقه‌ی پنجاب گسترش یافت.

۴. در این دوره مراکز ادبی فارسی محدود به شرق ایران نبود، بلکه مراکز مهم ادبیات فارسی در مناطق دیگر مانند عراق و آذربایجان ایجاد شد و وجود این مراکز جدید، زمینه‌ای برای ظهور شاعران و نویسندگان بزرگ و کوچک شد.

۵. نهضتی که از اوایل قرن پنجم دانشمندانی مانند ابوریحان بیرونی، ابوعلی سینا و... و شاگردانشان در تألیف کتب علمی به زبان فارسی پایه‌گذاری شده بود، در این عصر نیز ادامه یافت و موجب توسعه‌ی دایره‌ی زبان فارسی شد که آثار و نتایج آن در ادب فارسی نیز انکارناپذیر است.

۶- از آغاز این دوره شعر و نثر فارسی با هدف راهنمایی مردم در خانقاه‌ها و آثار صوفیانه نفوذ کرد. در تمام مجالس وعظ و تقریباً همه‌ی کتب عرفانی و اشعار صوفیانه، زبان فارسی به گونه‌ای که برای همگان قابل فهم بوده، رواج داشته است. ساده‌تر شدن زبان شعر و نثر فارسی در آثار عارفان و صوفیان یکی از دلایل بزرگ توسعه و رواج ادبیات فارسی شد. (صفا، ۱۳۷۲: ۲۲۷)

با این مقدمه و توضیحات، تحقیق حاضر در نظر دارد تا به بررسی تاثیر اوضاع سیاسی و فرهنگی عهد غزنویان و سلجوقیان بر شعر سنایی پردازد.

## پیشینه‌ی تحقیق

باقریان و همکاران (۱۳۹۰)، قشربندی نظامی خاص مبتنی بر نابرابری‌های اجتماعی و رده‌بندی گروه‌ها و افراد یک جامعه بر اساس میزان بهره‌گیری آن‌ها از فرصت‌های زندگی و ارزش‌های اجتماعی است. در جوامعی که قشربندی و نابرابری عمیق وجود دارد، افراد و گروه‌هایی که از قدرت و ثروت بیشتری بهره‌مندند، به همان میزان در طبقات اجتماعی حایز رتبه‌های بالاتر اجتماعی هستند. این موضوع به دوره‌ی خاصی اختصاص ندارد. عصر غزنوی یکی از دوره‌هایی است که تمایز و تفاوت‌های طبقاتی را به روشنی می‌توان دید، این نابرابری‌ها در اشعار سنایی نیز دیده شد. پژوهشگر در پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد خود با عنوان «قشربندی اجتماعی در اشعار سنایی» به بررسی طبقات مختلف اجتماع در شعر این شاعر بزرگ پرداخته است.

صلاحی‌نژاد و اصغرنژاد فرید (۱۳۹۲)، در تحقیقی باعنوان «مضامین تغزل اجتماعی در اشعار نزار قبانی و احمد شاملو» انجام

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

داده‌اند. تغزل در ادبیات معاصر جلوه‌ای دیگر یافته است. زنان از موضوعات زیبایی‌شناختی به موجوداتی فعال بدل شده‌اند و در عرصه‌ی ادبیات هم آثار زندگی فعال و خلاقشان همه‌جا مشهود است. در شاخه‌ای از مطالعات ادبی با عنوان «ادبیات‌مقایسه‌ای» به مطالعه‌ی مشترکاتی در ادبیات ملل پرداخته می‌شود که حاصل تأثیر و تأثر ادبا از آثار یکدیگر نیست؛ بلکه حاصل اشتراک در موقعیت و شیوه‌ی تفکر است. در این مقاله ده مفهوم مشترک در توصیف زن در شعر نزار قبانی شاعر معاصر عرب و احمد شاملو بررسی شده است. در دوره‌هایی از شعر هر دو شاعر، تغزل و مفاهیم سیاسی و اجتماعی با هم درمی‌آمیزد و عشق با دغدغه‌های دیگر شاعر در نوعی از توازن قرار می‌گیرد. دو رهیافت اساسی در شعر هر دو شاعر وجود دارد. در رهیافت اول، شور مبارزه و دغدغه‌ی اجتماعی شاعر، او را از تغزل بازمی‌دارد. در رهیافت دوم، عشق، به شاعر امید مبارزه می‌بخشد. معشوقه در لباس زنی کامل و پیامبرگونه منشأ نیکی و زیبایی در جهان شاعر است و همراه شاعر روزهای پیروزی را جشن می‌گیرد.

معظمی گودرزی (۱۳۹۴)، در پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد خود به «بررسی شعر اعتراض در دیوان اشعار حکیم سنایی» پرداخته است. پژوهشگر پس از توضیحی درباره‌ی زندگی سنایی، گفته است عمده‌ی شهرت وی وارد کردن مفاهیم و اصطلاحات عرفانی و متصوفه به قلمرو شعر است. قلندریات ماحصل تلاش او در این زمینه است. وی همچون متقدمان، قلمش را مدتی در خدمت درباریان و صاحب منصبان قرار داد؛ اما به سبب سوانحی که در زندگی‌اش پدید آمد رسالت خود را در گرو بازگفتن مسائل و مشکلات اجتماعی عصر خویش گذاشت. این‌گونه است که می‌توان گفت سنایی به‌نوعی پرچمدار شعر اعتراض است. وی با قلم و بیان خویش موجد سبک جدیدی در حوزه‌ی شعر و ادب پارسی شد که خود از آن به زهد و تحقیق یاد می‌کند. باین‌همه، تلاش شایسته و درخور توجهی در جهت معرفی شعر این شاعر مهجور در عصر اشعار اعتراضی به عمل نیامده است. بررسی شعر اعتراض در اشعار سنایی غزنوی انگیزه‌ای برای اجرای این پژوهش در پنج فصل تدوین شده است. فصل اول مبادی تحقیق و تعریف کلی سبک شاعر برای سنجش میزان تفکر و اندیشه‌ی وی درباره‌ی ادبیات اعتراض، فصل دوم، شعر اعتراض و انواع و اشکال آن در شعر او و شاعران هم‌عصر و پس از وی مطالعه و بررسی شده است. فصل سوم، اختصاص به روش (متدولوژی) پژوهش دارد. فصل چهارم به بیان یافته‌های تحقیق و جلوه‌های گوناگون اشعار اعتراضی در دیوان شاعر، با عنوان جنبه‌های اعتراضی و اجتماعی می‌پردازد و فصل پنجم به نتیجه‌گیری بحث اختصاص دارد.

کشفی (۱۳۹۴)، در مقاله‌ای تحت عنوان بازتاب مولفه‌های اجتماعی در یکی از متون ادبی سنایی‌غزنوی به پرداخته است. یافته‌های این پژوهش بیانگر این بود که با بررسی اشعار شاعران بزرگ زبان و ادبیات فارسی، به این نتیجه می‌رسیم که عده‌ای با مشرب عرفانی و بعضی در قالب حماسی و... هر کدام به نوعی به سرودن اشعار تعلیمی، اخلاقی و اجتماعی و دیگر نمونه‌های شعری پرداخته‌اند؛ اما آنچه از سخن آنان برمی‌آید این است که شاعران از جامعه‌ی پیرامونی خود جدا نبوده و هر کدام از شاعران به نوعی، به بیان و نمود وضعیت اجتماع زمان خود پرداخته‌اند. سنایی غزنوی یکی از شاعران بزرگی است که به سرودن اشعار تعلیمی نیز پرداخته که آن را می‌توان در سروده‌های وی در قالب مثنوی و گاه در قصاید و غزلیات او ردیابی کرد. وی شاعری است نگران پیرامون خویش و با ناروایی‌های اجتماعی و بیداد حکام و فرمانروایان زمان خویش به شدت در ستیز است و همین نکته است که شعر او را در ردیف بهترین شعرهای اجتماعی و سیاسی زبان فارسی قرار می‌دهد و از این لحاظ می‌توان او را بزرگترین سراینده‌ی شعر اجتماعی در تاریخ ادبیات کلاسیک فارسی دانست.

برومند و کرمی (۱۳۹۵)، تحقیقی با عنوان «بررسی و تحلیل مفاهیم اجتماعی در اشعار علی معلم دامغانی و سلمان هراتی» انجام دادند. شعر دهه‌ی شصت ایران اگرچه به لحاظ فرم ادامه‌ی دوره‌های پیش از خود به شمار می‌رود؛ اما در حوزه‌ی محتوا و مضمون و اندیشه مستقل و متمایز است به‌گونه‌ای که تصاویر حاصل از برخورد شاعر با مسائل پیش آمده در ایران آن زمان که

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

عمده‌ترین آن‌ها انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی است، دوره‌ی جدیدی از شعر در تاریخ ادبیات معاصر ایران به ارمغان آورده است. علی معلم دامغانی و سلمان هراتی از شاعران برجسته اندیشمند و صاحب سبک معاصر هستند. این پژوهش کوششی است در جهت بررسی تحلیل مفاهیم اجتماعی اشعار علی معلم دامغانی و سلمان هراتی و بررسی و تحلیل ویژگی‌های فکری اشعار آن‌ها شعر انقلاب و دفاع مقدس اندیشه‌ها و تئوری‌هایی چون هنر برای هنر را منسوخ کرده شعر و هنر را از چهارچوب احساس‌های شخصی فراتر برده به خدمت اهداف والای انسانی اجتماعی فرهنگی دینی اخلاقی و ملی درآورده است. در این دوران مختصات لفظی و معنوی و ادبی شعر تغییر یافته، افکار و احساسات تازه‌ای طرح شده در قالب شعر نیز تغییراتی رخ داده است. عمده‌ترین مضامین شعر این دوره عبارتند از: روایت و حکایت اوضاع دوران ستم‌شاهی، بیان و بزرگداشت مبارزات و پایداری‌های مردمی در آن دوران، ستایش رهبر و دیگر شخصیت‌های برجسته، دعوت به بیداری و هوشیاری در برابر دسیسه‌های دشمنان داخلی و خارجی، ستایش شهادت و شهیدان، ترغیب و تشویق رزمندگان، وطن دوستی، مبارزه با مظاهر ضد ارزشی و... سعی شده است. از آثار این دو شاعر، سروده‌هایی در مورد مضامین اجتماعی بررسی شده است.

مرتضوی و همکاران (۱۳۹۶)، تحقیقی با عنوان «بررسی بازتاب ستیز اجتماعی در اشعار احمد شاملو با مفاهیم جامعه‌شناختی یورگن هابرماس» انجام داده‌اند. در این تحقیق آمده است: شعر آن صخره‌ی سختی است که در قلب کوه سنگی نه فقط فریاد که انعکاس‌دهنده‌ی زمزمه‌های درگوشی و گاه سکوت‌های پر از فریاد است. در کنار چهره‌ی لطیف چهره‌ای دارد از جنس انفجار، رسانه‌ای است به تیزی رعد و برق؛ و هدف از این نوشتار آشکارسازی این تیزی در چهره دیالکتیکی شعر شاملوست. صورتی به وسعت سیرت جامعه و آنچه در اوست. مبانی نظری مبتنی بر مفاهیم اصلی یورگن هابرماس نماینده‌ی اصلی مکتب انتقادی فرانکفورت است. روش گردآوری اطلاعات، اسنادی و کتابخانه‌ای و روش دسته‌بندی اطلاعات با مدل عینی-ذهنی است؛ همچنین روش تحلیل یافته‌ها با استفاده از روش کیفی مقایسه‌ای و تطبیقی انجام گردیده است. یافته‌های مقاله نشان می‌دهد که مفاهیم شاملویی در چارچوب مفاهیم هابرماسی می‌تواند انعکاس‌دهنده‌ی بخشی از واقعیت‌های اجتماعی از جمله ستیز اجتماعی باشد و نتیجه تحقیق نشان از هم‌سویی «شعر» و «نظریه» در توضیح و تبیین مسائل اجتماعی دارد. همان‌گونه که شعر به عنوان پدیده‌ای اجتماعی با رویکردهای مختلف جامعه‌شناختی مانند رویکرد ساختاری و تضادی مورد مطالعه قرار می‌گیرد، خود حاوی رویکردهای مختلف نظری است و شعر چیزی جز خود این رویکردها نیست. شاعران بزرگ همانند نظریه‌پردازان اجتماعی نه فقط بازتاب‌دهنده‌ی مسائل اجتماعی، بلکه در پی توضیح، روشن‌گری، و درمان مسائل اجتماعی نیز هستند.

نیری و واردی (۱۳۹۸)، در مقاله‌ای با عنوان «بازتاب اجتماعیات در شعر غنایی قرن ششم (برپایه اشعار سنایی، انوری، خاقانی و نظامی)» مضامین اجتماعی را در آثار این سراینده‌گان بررسی کرده‌اند. در قلمرو شعر، نوع غنایی، کهن‌ترین شکلی است که شاعر در آن خویشتن خویش را به تصویر می‌کشد و ضمن آن به بیان عواطف شخصی خود از زندگی و جهان می‌پردازد و شاعر ساختار ذهنش را در قالب یک اثر ادبی به جامعه عرضه می‌دارد. واقعیت‌های اجتماعی و فرهنگی متن جامعه به صورت بازتاب‌های عینی، اما جزئی و پراکنده کمابیش در آثار ادبی یافت می‌شود. خوانش اجتماعیات در بازخوانی شعر یک دوره یا اشعار یک شاعر، در جهت تحلیل دغدغه‌های اجتماعی آن دوره است. از آن‌جاکه قرن ششم جریان‌های مختلف سیاسی، اجتماعی جامعه و از جمله شاعر را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد، شعر بستر مناسبی برای ترسیم این دگرگونی‌ها می‌شود. نگارنده بر آن است تا با نگاهی مقایسه‌ای و به شیوه‌ی توصیفی-تحلیلی به بررسی مسائل اجتماعی این قرن در اشعار سنایی، انوری، خاقانی و نظامی بپردازد تا با شناخت طبقات، ارزش‌ها و جریان‌های این عهد به تصویری روشن از واقعیت‌ها و بینش‌های حاکم بر ذهن جامعه و شاعر دست یابد. نتیجه‌ی پژوهش بیانگر آن است که مشکلات سیاسی و اجتماعی غالباً بنیاد اندیشه و جهت فکری و رفتاری مردم و شاعران را دستخوش تغییراتی کرده که مانع

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

تکوین یک جهان بینی مستحکم در آنان شده است.

شریعتی فر (۱۳۹۹)، مقاله‌ای با عنوان «سنایی و نقد برخی ناهنجاری‌های اجتماعی روزگار خود در حدیقه» انجام داده است. در این مقاله گفته شده حدیقه/حقیقه سنایی حاوی نکات ظریف و دقیقی از پیشینه‌ی فرهنگی روزگاران گذشته‌ی ایران است که با تعمق در ابیات آن تصویر پیکر کهن فرهنگ ایرانی اسلامی نمایان تر می‌شود؛ به‌ویژه اینکه آثار این شاعر گران‌مایه آینه‌ی آغاز و انجام رگه‌های خاصی از تفکر فرهنگی و اجتماعی و اخلاقی و به تعبیری مجمع اضداد در جامعه محسوب می‌شود، در حدیقه/حقیقه جانب خردگرایی سنایی قوی و آشکار است. به گونه‌ای که در آن خردگرایی و یا خردستیزی بعضی صوفیه دیده نمی‌شود، لذا باید بگوییم از واژه‌های پرسامد حدیقه/حقیقه واژه‌ی عقل است. در شعر وی عقل در مقابل هواهای نفسانی قرار می‌گیرد. در بسیاری از مباحث در حدیقه به مشورت با خردمندان توصیه می‌کند که خود دلیل آشکاری بر عقل‌گرایی اوست. در حدیقه از انحرافات که در جامعه دیده می‌شود به زیبایی سخن رفته است. شاعر بدون هیچ ترس و واهمه‌ای به بیان زشتی و ناهنجاری‌های اجتماعی می‌پردازد و با ارائه راهکارهایی مستند و معقول سعی در اصلاح آنها دارد. مخاطبان او از فرادست‌ترین افراد تا فرودست‌ترین اقشار جامعه‌اند. سنایی در قصاید خویش نماینده‌ی برجسته‌ی اشعار اجتماعی به شمار می‌آید و انواع معانی و مضامین را می‌آورد و طبقات مختلف اجتماعی را نقد و بررسی می‌کند. او بی‌پروا ترین انتقادات اجتماعی خویش را با زبانی پخته و استوار و ساخت و صورتی جذاب متوجه مخاطبان خویش می‌کند که از طیف‌های مختلف جامعه‌اند.

محمدزاده و نوروزعلی، (۱۴۰۰) مقاله‌ای با عنوان «صور نوعی عدالت در اشعار سنایی» منتشر کرده‌اند. در کلام اسلامی، طرح مسئله‌ی عدالت از یک سو با عدل الهی ارتباط می‌یابد و از سوی دیگر به رهبری و حاکمیت جامعه مربوط می‌شود. هر کدام این مقوله‌ها در اشعار سنایی بازتاب و نمود گسترده‌ای دارند. این حکیم وارسته، از سویی به شدت نسبت به عدالت الهی اعتقاد می‌ورزد و از سوی دیگر لزوم عدالت ورزی صاحبان قدرت و حاکمان حکومت را مورد تأکید قرار می‌دهد و التزام به اجرای عدالت را برای شخص حاکم ضروری می‌داند. بر این اساس، پژوهشگران به شیوه‌ی توصیفی - تحلیلی این وجوه را مورد واکاوی قرار داده و به این نتیجه رسیده‌اند که در روزگار سنایی، اجرای عدالت در بوت‌های تعویق گرفتار آمده بود؛ از این رو، شاعر، موضوع عدالت را از موضوعات درخور توجه خود قرار داده و در نیمه‌ی اول حدیقه/حقیقه بر عدالت الهی در نظام آفرینش و جهان تأکید ورزیده است. سنایی در نیمه‌ی دوم این کتاب با بیان مصادیق و ذکر خصوصیات پادشاه عادل سعی دارد به تئوری عدالت بپردازد و ضمن بر ملا ساختن تمایلات نهفته و پنهان جامعه و شهر آرمانی موجود در ذهن جامعه، آداب کشورداری را به سلاطین روزگار خود تعلیم دهد، لیکن در دیوان خود اغلب با زبانی انتقادی، تنفر و انزجار خود را از حکام ظالم و مستبد نشان می‌دهد.

## بررسی اوضاع فرهنگی و اجتماعی عصر سنایی

زبان و ادبیات فارسی، پیوندی جدانشدنی با محیط اجتماعی، فرهنگی و سیاسی عصر خود دارد. واقعیات و تحولات اجتماعی و فرهنگی متن جامعه، به صورت بازتاب‌های عینی، اما جزئی و پراکنده در آثار ادبی، کم و بیش پیدا می‌شود. چنانکه با جمع‌آوری، تنظیم، توصیف و تحلیل این بازتاب‌ها، می‌توان سیمایی دقیق، جامع و عینی از زندگی و فرهنگ مردم ارائه داد. می‌توان گفت که انواع آثار ادبی، هرگز در خلاء به وجود نیامده‌اند بلکه پرورده و تابع زمینه‌های اجتماعی خاص هستند و بدین ترتیب؛ اثر ادبی با زندگی نویسنده و خالق اثر، پیوند می‌خورد نتیجه آن که، ادبیات و هنر نیز، مانند دیگر اجزاء و عناصر فرهنگی، تغییرات اجتماعی را دنبال می‌کنند و از این تغییرات تاثیر می‌پذیرند.

بی‌شک دستاوردهای جامعه‌شناختی به ما کمک می‌کند تا آثار هنری و فرهنگی را بهتر بشناسیم و تفسیرهای کاربردی‌تری از این آثار به دست دهیم و سیر مسائل معضلات اجتماعی و فرهنگی را در حیات اجتماعی بشر بهتر ترسیم کنیم. جامعه‌شناسی ادبیات

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

به ویژه بر شناخت محتوای یک اثر ادبی و جوهر اجتماعی آن تأکید دارد و آن را در ارتباط با جامعه و تحوّل اجتماعی مورد بررسی قرار می‌دهد. (ترابی، ۱۳۷۹: ۱۲۷) بسیاری از واقعیت‌های اجتماعی، فرهنگی و اجتماعی هر جامعه‌ای در آثار ادبی آن دوره منعکس شده است. این حقایق را می‌توان به تفصیل بررسی کرد و این ویژگی زیبایی ادبیات است. توماس وارتون می‌گوید: «زیبایی ادبیات در این است که ویژگی‌های هر عصر را به دقت ثبت می‌کند و شیواترین شیوه و رسمی را ترسیم می‌کند.» (همان: ۱۴۱)

ادبیات همواره در تعامل با اجتماعی است که در آن شکل می‌گیرد و به عنوان نهادی اجتماعی برخی از واقعیات جامعه را منعکس می‌کند و شاعر یا نویسنده به عنوان یکی از اعضای جامعه که موقعیت اجتماعی خاصی دارد، می‌تواند در این بازتاب یا کتمان مسائل اجتماعی نقش ایفا کند. همیشه شاعرانی هستند که دارای فطرت بلند و روحیه‌ی عدالت‌خواهی هستند. آنها در پاسخ به وضعیت اجتماعی زمان خود، گاهی مکتب یا نوع جدیدی از سخن ادبی را پایه‌گذاری کرده‌اند. تین اچ، یکی از پیشگامان جامعه‌شناسی ادبیات، درباره‌ی الهامات شاعرانه‌ی محیط اجتماعی و تأثیر آن بر آفرینش‌های ادبی می‌گوید: «هنرمند متعلق به گروهی از معاصران خود است که با آنها در کشور یا مدرسه تحصیل نکرده است. آسمان‌ها آمده‌اند، اما آنها تنها بالاترین شاخه از دودمان زمان خود هستند.» (همان: ۷۵).

بی‌شک تحولاتی که سنایی در دوره‌ی خود در عرصه شعر ایجاد کرده است؛ محصول محیط زندگی او و حاصل تحولات و اتفاقاتی است که در روزگار خود شاهد بوده است. مسائل اجتماعی در شعر سنایی، به ویژه اشعار او، از نیمه‌ی دوم قرن پنجم تا پایان قرن ششم هجری، برآیند نابه‌هنجارهای این روزگار است. شعر او آینه‌ی تمام‌نمای دگرگونی‌های عصر اوست. دوره‌ی برآمدن‌ها و برافتادن‌های بسیار است. رقابت‌های سیاسی برای گرفتن تاج و تخت کار را گاه به بردرکشی و حذف نزدیک‌ترین افراد خانواده می‌کشاند. حاکمانی که خود روزگاری در شامراهی خود نداشت. به اندک تغییری در حال سلطان، بیم آن می‌رفت که جان و مال فرد به یغما رود. روزگاری حاکمیت مطلق اندیشه‌های تنگ‌نظرانه و خشکاندیشی‌های اشعری و جبری مسلکی است. پادشاه سایه‌ی خداوند بر روی زمین است. شدت انحراف‌های اجتماعی گاه چنان است که موجب تحیر است. در چنین حالی است که سنایی پس از آن تحول فکری، زبان به نقد زمانه و مردمان عصر خود باز می‌کند. شعرش را از آلودگی ستایش‌های درباری دور نگه می‌دارد. زبان به ترسیم معایب اجتماع و صنف‌های مختلف اجتماعی می‌گشاید.

سنایی شاعری است که اصلاح جامعه عصر خود را مقدم بر مقاصد شخصی خود می‌داند. چنان که غالباً در اشعار خود از حاکمان و ستمگران زمان خود انتقاد می‌کند و می‌کوشد آنها را به شاهراه نیک‌اندیشی و راست‌کرداری هدایت کند. آثار سنایی، یکی از ارزشمندترین مدارک فرهنگ‌ی برای بررسی جامعه‌شناختی روزگار حیات اوست. او اغلب با لحنی گزنده و تلخ از گروه‌ها و اقشار مختلف جامعه انتقاد می‌کند و این شیوه‌ی نقد صریح سنایی را می‌توان ناشی از استغنا‌ی طبع و آزادی و عدالت‌خواهی و همچنین به سبب تأملات ژرف او در منابع دینی است. بی‌گمان بخشی از ستیهندگی سنایی ناشی از ایمان مذهبی و گرایش‌های آیینی او تواند بود. سنایی شجاعانه تمام اعمال نادرست حاکمان و زورمندان و علمای منافق و زاهد زمان خود را بازگو می‌کند.

شفیعی‌کدکنی در مقدمه‌ی این قصیده‌ی انتقادی سنایی با مطلع: «ای خداوندان مال الاعتبار الاعتبار/ ای خدا خوانان قال الاعتذار الاعتذار» گفته است این قصیده ظلم‌ستیزانه‌ترین قصیده‌ی زبان فارسی است با روحیه‌ی بسیار قوی و امیدوار که بعضی ابیات آن، محرومان همه‌ی قرون و اعصار تاریخ ما را در ظلمت استبداد قرون وسطایی عصر تاتار و تیمور و دوره‌های بعد، همچنان زنده و امیدوار نگه داشته است... به سختی می‌توان اثری را در تاریخ شعر فارسی یافت که در برابر ظلم و ستم فرمانروایان روزگار، دلیرتر از این قصیده ایستاده باشد. به طور خلاصه، این شعر مروری بر تمامی اندیشه‌های اجتماعی، سیاسی، مذهبی، عرفانی و اخلاقی است و می‌توان آن را جوهره‌ی هنر سنایی دانست. (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۲: ۱۲۳-۱۲۴)

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

همان گونه که گفتیم منتقدان برای سنایی سه ساحت وجودی برای شخصیت سنایی در نظر گرفته‌اند. (همان: ۲۵) که هم گویای شخصیت سنایی، هم نموداری از وضعیت متزلزل جامعه‌ی روزگار اوست. سنایی بی‌شک مانند دیگر شاعران زمان خود از معایب اخلاقی، آداب و رسوم، باورهای نادرست، تصورات نادرست زمانه و محیط خود مصون نیست. در توصیف زمانه‌ی سنایی گفته شده است: جامعه در دوراهی اخلاقی قرار دارد. ارزش‌های اخلاقی تغییر می‌کند. اخلاق و جوانمردی کمرنگ می‌شود. برای تأمین مخارج دربار و امور حکومت، مالیات و عوارض گزاف بر مردم تحمیل می‌شود و باعث فقر مردم می‌شود. درونگرایی و نیاز به زهد و تصوف راه فراری است که در اثر فشارهای سیاسی غالب می‌شود. (فتوره‌چی، ۱۳۸۴: ۱۰۹) فساد فراگیر شده است و تنها کسب مال است که فضیلت شمرده می‌شود. چنان که سنایی می‌گوید:

امرا را ز پی ظلم و فساد  
دل به زور و زر و خیل و حشم است  
غازیان را ز پی غارت و سهم  
قوت اسب و سلاح و خدم است

(سنایی، ۱۳۷۲: ۹۴)

در زمان غزنویان و سلجوقیان، برخلاف حکومت سامانیان، نفرت و بیزاری فرقه‌های گوناگون مذهبی بسیار رایج شد. تعصبات مذهبی گریبانگیر جامعه بود. تساهل و تسامح روزگار سامانی رو به خشکاندیشی گذاشته بود. تصوف نیز در کنار دیگر شئون جامعه آرام آرام بالیده بود و می‌رفت که درخت تناوری بشود. به دلیل رواج خانقاه‌ها و تعالیم صوفیانه و زاهدانه، عده‌ای از ظواهر دنیوی بریده و در گوشه و کناری به عبادت و زهد می‌پرداختند؛ اما در این میان گروهی بودند که از سر ریابواری خود را در لباس زاهدان نمایش می‌دادند. سنایی از این گونه افراد به شدت انتقاد کرده است. شاید کمتر کسی با زبان ستیهنده‌ای که سنایی در رد تصوف دروغین به کار بسته، چنین به انکار صوفیان مدعی برخاسته باشد:

صوفیان را ز پی راندن کام  
قبله‌شان شاهد و شمع و شکم است  
زاهدان را ز بی‌رای زه و زه  
قل هو الله احد دام و دم است

(همان: ۹۶)

در روزگار سنایی برده‌داری و غلام‌بارگی امری رایج بوده است که در قصاید و اشعار وی بازتاب گسترده‌ای دارد. این بردگان باتوجه به سیمای زشت یا زیبا و توانایی و هنر و کارایی‌ای که داشته‌اند به کارهای مختلف گرفته می‌شدند، دسته‌ای در خدمت هوسرانی امرا بودند، برخی در امور سپاهی‌گری و پاسبانی به کار گمارده می‌شدند و گاهی از همین طریق کم‌کم به فرماندهی می‌رسیدند و ظلم و ستم‌های ناروایی بر مردم روا می‌داشتند. سنایی در وصف این ظالمان می‌گوید:

می‌نینند آن سفیهانی که ترکی کرده‌اند  
همچو چشم تنگ ترکان گور ایشان تنگ‌وتار  
ننگ ناید مر شما را زین سگان پرفساد؟  
دل نگیرد مر شما را زین خران بی‌فسار؟

(همان: ۱۲۵)

فساد و تباہکاری سیاسی و فرهنگی جامعه در رفتار مردم تأثیر مستقیم دارد؛ و رفتار و خلق و خوی مردم را دگرگون می‌سازد، و

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

این تغییر و دگرگونی مردم آن روزگار را می‌توان در شعر سنایی یافت:

منسوخ شد مروت و معدوم شد وفا  
شد راستی خیانت و شد زیرکی سفه  
گشته است بازگونه همه رسم‌های خلق  
زین هر دو نام مانده چو سیمرغ و کیمیا  
شد دوستی عداوت و شد مردمی جفا  
زین عالم نپهره و گردون بی‌وفا

(همان: ۴۸)

عالمان و فقیهان درباری در این دوره کسانی بودند که برای سود و منفعت شخصی و برخورداری بیشتر از نعمت‌های دنیوی همیشه در سایه‌ی سلاطین وقت بودند و برای خشنودی این حاکمان زورگو و ستمگر هر حکمی لازم بود، صادر می‌کردند و در هر کاری پیش‌کار و همکار آنان بودند. این گروه که از جمله گروه‌های فرهنگی و دینی جامعه‌ی سنایی به‌شمار می‌روند که مورد انتقاد شدید قرار گرفته‌اند:

فقها را غرض از خواندن فقه  
حیل‌های بی‌ح و ربا و سلم است

(همان: ۹۵)

تو ای عالم که علم از بهر مال و جاه می‌خواهی  
به سوی خویش دردی، گر به سوی خلق درمانی

(همان: ۲۳۴)

نکته‌ی مهمی که در بررسی اشعار انتقادی سنایی به چشم می‌خورد، این است که سنایی همه‌ی اقشار جامعه خود اعم از: امیران، صوفیان، فقها، شعرا، قضات، غازیان، دهقانان و... را مورد انتقاد قرار داده است. مضامین تقریباً همه‌ی اشعار انتقادی او بیانگر یک چیز است و آن بیان بدی‌ها و مفاسد جامعه است؛ اما او از ریشه‌یابی و علل انحطاط جامعه‌ی زمانه خود ناتوان است. نفی عقل محض و حکمت و فلسفه‌ی غیرالهی (یونانی) و ترغیب و تشویق مردم به گرویدن به ساحت ایمان بی‌چون‌وچرا، از دیگر کارویژه‌های شعر سنایی است:

برون کن طوق عقلانی به سوی ذوق ایمان شو  
چه باشد حکمت یونان به پیش ذوق ایمانی

(همان: ۲۲۱)

سنایی عمر خود را در غزنین و چندین شهر خراسان مانند بلخ، هرات، سرخس، مرو و نیشابور گذراند. در آن زمان غزنین تحت حکومت غزنویان و خراسان تحت حکومت سلجوقیان بود. گفتیم که این ترکان صحراگرد، مردمانی متعصب، جسور، جنگ‌جو و به دور از سواد و علم و اخلاق بودند. در این دوره بر اثر هجوم ترکان سلجوقی و رواج شدید گرایش اشاعره در ساختارهای فرهنگی و سیاسی، بازار عقل رو به کساد داشت. هر قلمی که کمر به خدمت دین نمی‌بست، باید شکسته می‌شد. (راوندی، ۱۳۵۹: ۴۷) علما و فقها فلاسفه را رد کردند حکومت‌ها نیز برای ماندن در قدرت تا آنجا که می‌توانستند علوم عقلی را تعطیل و تضعیف می‌کردند و در این راستا هدف شاعران حکومت‌گرا کسب قدرت عقل از مردم بود. کاری که امروزه روزنامه‌های دولتی، رادیو و تلویزیون و مجموعه‌ای از رسانه‌های تحت کنترل دولت انجام می‌دهند، در گذشته به سرپرستی گروهی از شاعران به سامان می‌رسید.



# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

(شفیعی کدکنی، ۱۳۶۸: ۱۰۳)

سنایی، اشعاری با مضامین مختلف دینی، اخلاقی، عرفانی و انتقادی سروده است که بیانگر حال و هوای مردم و وضعیت محیط اجتماعی او و نیز تأثیرگذاری بر شاعران و همه پس از اوست. سنایی لحنی تند، گزنده، صریح و بی‌پروا را در اشعار خود برگزیده است، درجه‌ای از شجاعت در بیان انتقاد از جامعه که جز در نگاه ناصر خسرو کمتر نشانه‌ای از آن در تاریخ شعر فارسی وجود دارد. (نیکخواه، ۱۳۸۵: ۲)

سنایی پس از استقرار در سرخس، هرات و نیشابور و شهرت یافتن اشعارش، به زادگاهش غزنی دعوت شد تا به عنوان شخصیتی مذهبی شناخته شود؛ اما او این دعوت را نپذیرفت. (قاسمی، ۱۳۹۴: ۱۰)

حکومت در صدد بود تا از وجاهت علمی و ادبی او به نفع خود استفاده کند تا هم با حضورشان در ساختار اداری آنها را به سکوت وادار کند، هم از اعتبار دینی چنین اشخاصی برای توجیه ظلم استفاده کند. ضمناً باید در نظر داشت که سنایی متأثر از آموزه‌های دینی بوده و شجاعت و جسارت او در نقد صریح افسار مختلف جامعه حتی شاه را می‌توان به همین روحیه نسبت داد. البته نقد سنایی تنها به پادشاهان محدود نمی‌شد. او از علمای متجاوز، قضات متجاوز، حاکمان، بازاریان و هرکسی که ادعای قدرت و خلافت می‌کرد انتقاد کرد. به گفته‌ی سنایی یکی از مهم‌ترین عوامل مفاسد اجتماعی گماشتن افراد بی‌لیاقت به کارهای مهم بود. یکی دیگر از نشانه‌های فساد که سنایی در اشعار خود از آن یاد می‌کند، براندازی آداب و رسوم است که در چند شعر ذکر شده است و به همه مقامات اجتماعی زمان خود می‌تازد. نفاق افراد، دوگانگی، ظاهر و باطن دستگاه‌های دولتی و فساد و مادی‌گرایی و بخل ثروتمندان و نخبگان از دیگر عوامل مفاسد اجتماعی از نظر سنایی است. یکی از انتقاداتی که سنایی به آن توجه داشته، بی‌خردی دولت است. بخشی دیگر از انتقادات سنایی، نقد علمای مذهب و تضعیف اعتقادات در بین مردم است.

در میان شاعران و نویسندگان ایرانی پس از اسلام، شاعران و نویسندگان صوفی بیش از سایرین به تأمل در وضعیت اجتماعی زمان خود می‌پردازند و آن را به شیوه‌های گوناگون توصیف و عمل می‌کنند. سنایی مانند بسیاری از اشعار خود به انتقاد از اعمال حاکمان و ظالمان و روحانیون زمان خود می‌پردازد و طمع مردم منافق زمان خود را برملا می‌کند و تصویری از جامعه‌ای ترسیم می‌کند که در آن افراد عاقل متهم به جنون و خردمندان منزوی هستند. او نابسامانی‌های اجتماع را می‌بیند و فریاد می‌زند تا مردم را از کارهای ناپسند خود آگاه کند و به همین دلیل شعر او در زمره‌ی بهترین اشعار اجتماعی، سیاسی و سیاسی فارسی قرار دارد. این تصویری است که سنایی از روزگار خود ترسیم کرده است:

|                              |                           |
|------------------------------|---------------------------|
| همه در بند لقمه اند و جماع   | همه را خون حلال بر اجماع  |
| همه چون گاو و خر کشنده ی بار | همه اشتر صفت اسیر مهار    |
| بی خبر جمله از حقیقت کار     | همه از علم دین شده ناهار  |
| به گه لقمه چون سبب تازان     | به گه شهوه همچو خر یازان  |
| در غضب همچو شیر درنده        | در طلب همچو مرغ پرنده     |
| شهوت آن را که گشت مستولی     | هر دو یکسان امام و مستولی |

(سنایی، ۱۳۵۹: ۶۴۱)

سنایی دل خوشی از مردم زمانش ندارد و همه جا به بدی از آن‌ها یاد می‌کند. مردمی که سنایی با آن‌ها سروکار دارد،

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

خالی‌الذهن و عوام هستند و با انسان آرمانی در نظر او تفاوت بسیاری دارند. او انسان عاقل را از نزدیک‌شدن و هم‌نشینی با عوام منع می‌کند:

|                           |                          |
|---------------------------|--------------------------|
| تا توانی به گرد عامه مگرد | عامه از نام تو برآرد گرد |
| زان کجا عامه بی‌خرد باشد  | صحبت بی‌خردت بد باشد     |
| به همه حال چون خودت خواهد | صحبت او روان همی خواهد   |

(همان: ۶۵۰)

|                             |                         |
|-----------------------------|-------------------------|
| خلق جز مکر و بند و پیچ نیند | همه را آزمودم اینچ نیند |
| گر همه در برت فرو ریزد      | مرد عاقل درو نی‌آویزد   |

(همان: ۴۵۲)

سنایی در اشعار خود با الفاظ رکیک و زشت به انتقاد از گروه‌های مختلف مردم زمانش می‌پردازد و در اصطلاح ادبی آنان را هجو می‌کند. «شاعر هجاگوی از هجو به منزله‌ی سلاح برنده‌ای استفاده می‌کرد تا به وسیله‌ی آن، شخص موردنظر خود را با گزنده‌ترین و رکیک‌ترین زبان ممکن و با دشنام مورد حمله قرار دهد.» (داد، ۱۳۷۸: ۳۲۷)

ذکر این نکته لازم است که سنایی در بیشتر مواقع شخص خاصی را هجو نمی‌کند، بلکه توجه او بر گروه‌های اجتماعی است و از این نظر هجو او هجوی اجتماعی است که سعی در نشان‌دادن وضعیت گروه‌های مختلف جامعه دارد. برای مثال در هجو کسانی سخن می‌گوید که هیچ مهارتی در شعرگویی ندارند و شعرشان را در پای پادشاه یا وزیری ریخته‌اند تا از این طریق به نوایی برسند:

|                            |                           |
|----------------------------|---------------------------|
| یک رمه ناشیان شعرپراش      | خویش‌تن کرده‌اند شعرتراش  |
| قالب و قلبشان سلیم و لئیم  | خاطر و خطشان عقیم و سقیم  |
| همه بر درگه فرامشستی       | همه از روی معرفت پشستی    |
| دیدنی هست و خوردنی نه مدام | چون سگ پخته و چو مردم خام |
| رخ چو مردم به فعل چون سناس | همه محتاج جامه‌ی کرباس    |

(همان: ۶۸۲)

سنایی از عالمان هم دل‌زده است، زیرا علم دارند؛ ولی به آن عمل نمی‌کنند که از نظر او خر از چنین انسان‌هایی بهتر است:

|                            |                             |
|----------------------------|-----------------------------|
| علم داری عمل نه دان که خری | بار گوهر ببری و گاه خوری    |
| استر ار هست بدرگ و ظالم    | خر به ای خواجه از چنین عالم |
| دانشت هست کاربستن تو       | خنجرت هست صف‌شکستن تو       |

ج

(همان: ۲۹۱)

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

در انتقاد از واعظان و داعیان عوام‌فریبی که نیازمند ستایش مردم هستند، می‌گوید:  
داعیانی کوه زاده‌ی زمنند / بیشتر در هوا ی خویشتند

(همان: ۲۸۹)

او صوفیان و زاهدان زمان خویش را نیز قبول ندارد و آنان را مردمی ریاکار و حيله‌گر می‌داند:  
تا بدانی که زاهدان چه کسند / همه همچون میان‌تهی جرسند  
همه در بند زرق و سالوسند / وز در صد هزار افسوسند

(همان: ۶۷۰)

و در انتقاد از طبیبانی که بدون علم می‌خواهند بیماران را درمان کنند، می‌گوید:  
از اطباء عام این‌عام / گر پیرسی از این همه یک نام  
به خدا ار شناسد و داند / و هزاران کتاب بر خواند  
همه از جهل پر شر و شورند / همه کتاس و اقمه و کورند  
صد هزاران مریض را هر سال / بکشند از تباهی افعال  
همه هستند یار عزراییل / قاتل ایشان و خلق جمله قتیل

(همان: ۶۹۷)

می‌بینیم که روزگار سنایی پر است از آدم‌های ریاکار و جاهل و هواپرست که فاصله‌ی زیادی با جامعه‌ی آرمانی سنایی دارد و همین روزگار پر آشوب و فتنه است که باعث شده سنایی از آن‌ها شکایت کند و در مذمت آن‌ها سخن را به اوج برساند.

## تأثیر اوضاع سیاسی بر شعر سنایی

دوره‌ی غزنوی با همه‌ی فرازها و فرودها در امر حکومت‌داری، در اشاعه‌ی زبان و ادبیات فارسی اهمیت زیادی دارد. شاعرانی - چون فرخی و منوچهری که در اوایل عصر غزنوی می‌زیسته‌اند. سنایی در دوره‌ی دوم حکومت غزنویان می‌زیست. سنایی چندتن از پادشاهان غزنوی را مدح کرده است. نخست مسعود بن ابراهیم را ستایش کرده است. پس از مرگ مسعود بن ابراهیم، نبرد خونین چهارساله‌ای بین پسرانش در گرفت و پیروز آن بهرام‌شاه بود که با کمک سلطان سنجر توانست شرق پادشاهی را به تصرف خود درآورد. بسیاری از رخدادهای سیاسی و رقابت‌های سیاسی درباریان در شعر سنایی بازتاب یافته است. برای نمونه، سنایی در حدیث آغاز حکومت بهرام‌شاه و دشمنی او و برادرانش را ذکر می‌کند:

مثل ابتدای دولت شاه / بود چون یوسف و برادر و چاه  
بود از آغاز رنج و غم خوردن / عاقبت گنج بود و بر خوردن  
آن فکندن به چاه به‌رالم / و آن بها کردنش به هژده دم  
گرچه ز اخوان هوان رسید او را / کار محنت به جان رسید او را

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

آخر الامر عالم و شه شد بر سپهر شرف خور و مه شد

(سنایی، ۱۳۵۹: ۵۰۶)

روزگاری که سنایی سال‌های آغازین جوانی‌اش را در آن سپری می‌کرد، دوران پرشکوه دربارهایی بود که حاکمان آن جو مناسبی برای رونق مدیحه‌سرایی فراهم آورده بودند و به گفته د. بروین سخن‌سرایی بیش از هر سرمایه‌ای، دستمایه‌ای عمومی و متداول بود. مدح و مدیحه‌سرایی رفته رفته سنت رایج غزنین شد و دربارها را به کانونی برای نواخت و نگه داشت شاعران مبدل ساخت تا آنجا که می‌توان گفت این محیط بستر مناسبی برای شعر ستایشی بود (زرقانی، ۱۳۸۱: ۲۵۶). در چنین شرایطی او نیز بنا به سنت زمانه، همانند دیگر ستایشگران بر آن شد تا از استعداد ذاتی خویش برای رسیدن به مطلوبش بهره ببرد. همه آنچه سنایی در آغاز، به عنوان یک «مطلوب» جستجو می‌کرد، یافتن ممدوحی صاحب‌قدرت بود تا در سایه حمایتش، نیازهای زندگی فردی و اجتماعی‌اش را بر طرف کند. آن‌طور که از ستایش‌های این دوره برمی‌آید، او حاضر بود برای رسیدن به این مطلوب، هر «مضمونی» را برای هر «ممدوحی» بسراید. لکن تقلید از رفتار جمعی، سعی در انطباق هویت با هم‌نوعان و در نتیجه دست نیافتن به فردیت را از ویژگی‌های واقع‌شدن آدمی در حیث خیالی می‌داند؛ بنابراین حضور سنایی در محافل چنین، چندان مایه شگفتی نبوده و نتیجه تقلید از یک رفتار جمعی است. دکتر زرین کوب، سنایی را نیز همانند مسعود سعد شاعری درباری و منسوب به دربار غزنویان دانسته (زرین کوب، ۱۳۷۵: ۲۹۹) اما نباید از این نکته غافل ماند که نسبت «شاعر درباری» تنها برای بخشی از زندگی سنایی صدق می‌کند، و همان گونه که در ادامه این تحقیق نیز اشاره می‌کنیم اکثر طبقات اجتماعی خصوصاً درباریان نیز از چشم هجویات و انتقادات او پنهان نمانده‌اند. ذبیح الله صفا سنایی را اینگونه توصیف می‌کند: شاعری لهو‌پیشه که اشعارش سرشار از کلمات رکب بود و از مدح هیچ کس امتناع نداشت (صفا، ۱۳۷۸: ۳۰۸) با این توصیف برای او چندان فرقی نمی‌کرد که ممدوحان او، صاحبان قدرت سیاسی باشند یا عالمان مذهبی وابسته به نهاد قدرت. پاره‌ای اشعار او در ستایش شخصیت‌های مذهبی روزگارش در این راستا، توجیه‌پذیر است. از آنجا که لحن سروده‌های پیشکش شده به هر یک از طبقات اجتماعی با دیگر طبقات متفاوت بود شاعران به اجبار سروده‌هایشان را با پسند مخاطب سازگار می‌کردند بنابراین نمی‌توان بدون در نظر گرفتن این مسئله اشعار متعلق به عالمان شرع را نمونه‌ای از اشعار مذهبی سنایی انگاشت.

## نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش بیانگر آن بود که سنایی غزنوی، عارف و شاعر نامی قرن پنجم و ششم هجری از نظر زمانی شاید بتوان گفت در یکی از دوره‌های مهم تاریخی ایران از نظر مسائل اجتماعی، سیاسی و فرهنگی ظهور کرد؛ چرا که به دلیل چیرگی حاکمانی که از میان غلامان ترک دربارها برخاسته بودند، روشنی جهان‌بینی ایرانی رو به نشیب گذاشته بود و اندک‌اندک به جای آن، تاریکی، اذهان را پوشانده بود. اوضاع سیاسی و اجتماعی ایران در دوره غزنویان و سلجوقیان نابسامان می‌باشد. فضای سیاسی که حکیم سنایی ترسیم می‌نماید؛ فضایی دگرگون و ناپایدار است. همچنین فاصله‌ی طبقاتی بسیار شده است. تنگ‌دستی، به دلیل گرفتن مالیات‌های بیش از حد بر مردم فشار آورده است. در چنین اوضاع نابسامانی ارزش‌های اخلاقی دگرگون شده است. از دین استفاده‌ی ابزاری می‌شود، فقر و جهل بر چنین جامعه‌ای حاکم است. وی در اعتراض به اوضاع آشفته‌ی چنین جامعه‌ای، به انتقاد از تمام اقشار جامعه پرداخته است. سنایی هنگامی که به انتقاد از تمام اقشار می‌پردازد صفات ناپسند آنها را بدون هیچ واژه‌ای بیان می‌کند و آنها را

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

ارشاد می‌کند. سنایی در شعرش که آیینی تمام‌نمای روزگارش است، صاحبان قدرت و ریا و تزویر حاکم بر جامعه‌ی زمان خویش را بی‌پرده به تصویر کشیده است. آنچه مسلم است در عین پای‌بندی به تقوا و سیر و سلوک عرفانی، زندگی را به بی‌خبری از اوضاع و احوال اجتماعی خویش نگذرانده و از درد و رنج مردم روزگارش غافل نبوده است و برای احساس همدردی با آنان بدون هیچ واژه‌ای هویت واقعی طبقات مختلف جامعه را برملا ساخته و شعرش را در خدمت جامعه و بیان دردهای مردم بی‌پناه قرار داده است. او در اشعارش از ظلم حاکمان ظالم، جهل عالمان، دیوسیرتی دیندارنمایان، آز زهدپیشگان، دون‌مایگی خواجه‌گان و صاحبان زر و زور بسیار نالیده است.

## منابع

- ترابی، علی‌اکبر (۱۳۷۹)، جامعه‌شناسی هنر و ادبیات، تبریز: فروغ آزادی.
- راوندی، مرتضی (۱۳۵۹)، تاریخ اجتماعی ایران، جلد چهارم، تهران: امیرکبیر.
- زرقانی، سیدمهدی (۱۳۷۸)، افق‌های شعر و اندیشه‌ی سنایی غزنوی، تهران، نشر روزگار.
- زرین‌کوب عبدالحسین (۱۳۷۵)، سیری در شعر فارسی، تهران: انتشارات نوین.
- سنایی غزنوی، مجدود بن آدم (۱۳۷۲)، دیوان، محمدتقی مدرس‌رضوی، تهران، انتشارات کتابخانه سنایی.
- شریعتی، علی (۱۳۵۹)، حدیقه‌الحقیقه و شریعه‌الطریقه، تصحیح محمدتقی مدرس‌رضوی، تهران، دانشگاه تهران.
- شریعتی، علی (۱۳۸۳)، آواز باد و باران، چاپ سوم، تهران: نشر چشمه.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۷۲)، صور خیال در شعر فارسی، چاپ پنجم، تهران: انتشارات آگاه.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۶۸)، آینه ای برای صداها، چاپ اول، تهران: انتشارات سخن.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۶۸)، زمینه‌های اجتماعی شعر فارسی، تهران: اختران.
- صفا، ذبیح‌الله (۱۳۷۲)، تاریخ ادبیات ایران، جلد دوم، تهران: انتشارات فردوس.
- طالبیان، یحیی (۱۳۷۸)، صور خیال در شعر شاعران سبک خراسانی، کرمان: مؤسسه‌ی فرهنگی و انتشاراتی عماد کرمانی.
- فتوره‌چی، مینو (۱۳۸۶)، سیمای جامعه در آثار سنایی، تهران: امیرکبیر.
- نیکخواه، مهرداد. (۱۳۸۵)، نقد اجتماعی در دیوان سنایی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی(ره).
- محمدزاده، مریم؛ نوروزعلی، زینب (۱۴۰۰)، صور نوعی عدالت در اشعار سنایی، در مجموعه‌ی مقالات هفتمین همایش ملی پژوهش‌های نوین در حوزه‌ی علوم انسانی و مطالعات اجتماعی ایران، تهران.
- نیری، فاطمه؛ واردی، زرین‌تاج (۱۳۹۸)، بازتاب اجتماعیات در شعر غنایی قرن ششم (بر پایه‌ی اشعار سنایی، انوری، خاقانی و نظامی)، مجله‌ی شعرپژوهی، ۲: ۲۰۷-۲۲۸.